**مآخذ ابیات عربی مرزبان نامه**

**مهدوی دامغانی، احمد**

دعوت نداک من ظمأ الیه‏ فعنّانی بقیعتک السراب‏ سراب لاح یلمع فی سباخ‏ فلا ماء لدیه و لا شراب

ص 48 \*\*\*

بتصریح«ثعالبی»در(یتیمة ج 2 ص 230)و(خاص الخاص ص 133)و (التمثیل و المحاضرة ص 119)و(المنتحل؟ص 151)این ابیات از(حسین بن احمد این الحجاج بغدادی)معروف به«این الحجاج»است و پس از ابیات ما نحن فیه این‏ بیت شیوا است که‏

و لیس اللّیت من جوع بغاد علی جیف تحیط بها کلاب

در التمثیل و المحاضره بجای(شراب در قافیه بیت دوم(تراب)آمده است‏ (ابن الحجّاج)از فحول شعرا و نویسندگان شیعه در قرن چهارم است امّا غالب اشعار او اهاجی و مداعبات و فحشیات است و از آنجا که ظاهرا به(تولی و تبّری)بسیار معتقد بوده و آنرا قطعا جزو فروع مذهب خویش میشناخته است و بشدت هم براساس این اعتقاد عمل میکرده است لذا بعضی از بزرگان عامه در تشخیص و تعیین مکانت و مرتبت ادبی او بتعصب و تفریط و بی‏انصافی مبتلا گشته‏اند فی المثل حافظ ذهبی درباره او میفرماید(شاعر العصر و سفیه الادب و امیر الفحش).

باری ابن الحجاج اختصاص و اتصالی بعضد الدوله دیلمی و ابن العمید و صاحب‏ بن عباد و وزیر مهلبی داشت و مدتی هم متصدی(حسبه)بغداد میبود و بسال(391) در همین شهر از دنیا رفت و در جوار حرم مطهر جوادین علیهما السلام بخاک سپرده شد.

و ما بکثیر ألف خلّ و صاحب‏ و انّ عدوا واحدا لکثیر

(ص 49)

\*\*\* این بیت بضمیمهء بیت دیگری پیش از آن،با اختلاف در ضبط در بسیاری از کتب آمده ولی در قائل آن اختلافست.

1)و شاّء در«الظرف و الظرفاء-معروف به«موشی»ص 12»میگوید: و روی أنّ علی بن ابیطالب علیه اسلام قال:

أکثر من الاخوان ما اسطعت انّهم‏ عماد اذا استنجدتهم و ظهور و لیس کثیرا ألفخلّ و صاحب‏ و انّ عدوا واحدا لکثیر

2)راغب در«محاضرات ج 2 ص 2»و مؤلف«روش الاخبار ص 105» همین دو بیت را به«محمود ورّاق»شاعر متوسط اوایل قرن سوم(متوفی در حدود 225-هـ)نسبت داده‏اند.

3)ماوردی در«ادب الدنیا والدین ص 152»همین ابیاترا به«ابن رومی» نسبت داده است ولی در دیوان مطبوع او این ابیات دیده نمیشود.

بستی در«روضة العقول ص 76»و مقدسی در«اللطائف ص 55»و عزی در «المضنون ص 20»این ابیات را بدون نام گوینده آورده‏اند.و رجوع فرمایند به‏ «مستظرف ص 107/1»که با اختلاف در صدر بیت اول از قول و شاء تبعیت‏ نموده است.

\*\*\*

الذّی ان حضرت سرّک فی الحی‏ و ان غبت کان اذنا و عینا(ص 49)

1)عبد الرحیم عباسی در«معاهد التنصیص ج 1 ص 102»این بیت را ضمن‏ مقطوعهء شش بیتی از«بشار بن برد»شاعر ایرانی الاصل و سر سلسلهء شعرای مولدین‏ و اشعر همهء آنان،متوفی در اواسط قرن دوم(95-167)دانسته است و چون‏ ایراد آن شش بیت بعلت احتوائش بر مضامین عالیه که منطق بر وصف ابنای‏ روزگار در هر زمان میباشد خالی از فایده نیست آنرا عینا نقل میکند:

خیر اخوانک المشارک فی المرّ و این الشریک فی المر أینا؟ الذی ان شهدت سرک.... ..... مثل سر الیاقوت انه مسّه النا رجلاه البلاء فازداد زینا انت فی معشر اذا غبت عنهم‏ بدّلوا کل ما یزینک شینا و اذا ما رأوک قالوا جمیعا: انت من اکرم البریا علینا ما اری للانام ودا صحیحا عاد کل الوداد زورا و مینا

2)یاقوت در«معجم الادباء ج 8 ص 143»بنقل از کتاب«اصفهان»حمزهء اصفهانی این بیت را بضمیمهء پنج بیت دیگر(که چهار بیت از آن با اختلافی مختصر جزو همان شش بیت سابق الذکر منسوب به«بشار»است)به«حسن بن عبد اللّه‏ اصفهانی معروف به«لغده»که معاصر با«ابی حنیفه دینوری»بوده است‏ نسبت میدهد.

و لاتیأ سن من صنع ربّک اننی‏ ضمین بان اللّه سوف یدیل‏ الم ثر أن الشمس بعد کسوفها لها صفحة تغشی العیون صقیل(ص 51)

\*\*\* از«طغرائی»است در قصیدهء بمطلع:

تصدی وللحیّ الجمیل رحیل‏ غزال أجمّ المقلتین کحیل

که آنرا در ایام نکبت و تراجع روزگار معین الدین قضل اللّه وزیر سروده است و ظاهرا طغرائی در این قصیده بقصیدهء«ابی فراس حمدانی»بمطلع:

مصابی جلیل و العزاء جمیل‏ و ظنّی بأن اللّه سوف یدیل

نظر داشته در بعضی ابیات قصیدهء خود عین الفاظ و مضامین ابیات ابی فراس را تضمین کرده است.

از این قصیده باز هم ابیات دیگری در مرزبان‏نامه بشاهد آمده است. (دیوان طغرائی ص 45)